

مبانی فکری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (حفظه‌الله) در روابط بین‌الملل: با تأکید بر منافع ملی

سیداسدالله اطهری مریان^۱

ابوذر محمدی^۲

چکیده:

در مطالعه روابط بین‌الملل مهمترین بخش، شناخت بازیگران و اندیشه حاکم بر آنان است که اساس عملکرد دولتها قرار می‌گیرد و برای شناخت هر چه بهتر سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران در عرصه بین‌الملل باید در اندیشه‌های رهبر آن کشور، آنکه بالاترین درجه اهمیت را در ساختار سیاسی این نظام دارد تامل کرد. تمرکز نوشتار حاضر بر فهم موضع نظام جمهوری اسلامی بر اساس آرا حضرت آیت‌الله خامنه‌ای است. به عبارت دیگر، این نوشتار به دنبال ارائه تبیینی از مواضع رهبری ایران است تا نشان دهد چگونه اقتدار نظام بر اساس این نوع تفکر می‌تواند در دستیابی به اهداف اساسی انقلاب اسلامی تأثیرگذار باشد. مبانی فکری رویکرد مقام معظم رهبری به سیاست خارجی را می‌توان در عزت، حکمت و مصلحت رهبری در سیاست خارجی، اسراتژی نفی رابطه سلطه‌گر و سلطه پذیر، اصل حفظ و حمایت از هویت نظام اسلامی، حفظ جهت گیری اسلامی انقلابی در نظر گرفت.

واژگان کلیدی: آیت‌الله خامنه‌ای (حفظه‌الله)، روابط بین‌الملل، نظام سلطه، ایدئولوژی، منافع ملی

^۱ - استادیار و عضو هیئت علمی، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، تاکستان، قزوین، ایران: نویسنده مسئول

asadolah.athary.com@yahoo.com

^۲ - دانشجوی دکتری، علوم سیاسی، اندیشه سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد تاکستان، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران

aboozar37@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۲/۲۷ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۳/۱۵

مقدمه:

ساحت سیاست مبتنی بر نظر و اندیشه است و رفتار سیاسی تجلی‌گاه آن است. از این رو هر رفتاری در حوزه سیاسی متکی به پشتوانه‌های نظری و اندیشه‌ای خویش است. در ساختار سیاسی نظام جمهوری اسلامی نقش و جایگاه رهبری از بالاترین درجه اهمیت برخوردار بوده و طبق اصل صد و هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: رهبری منتخب خبرگان، ولایت امر و همه مسئولیت‌های ناشی از آن را بر عهده خواهد داشت. دیپلماسی مبتنی بر فطرت انسانی، اصلی است که مقام معظم رهبری در شانزدهمین اجلاس غیر متعهدها از آن به عنوان عامل هدایت و راهنمایی بشر به سوی خالق متعال یاد می‌کنند و می‌فرمایند: «اسلام به ما آموخته است که انسان‌ها با وجود ناهمگونی‌های نژادی و زبانی و فرهنگی، فطرت همسانی دارند که آنها را به پاکی و عدالت و نیکوکاری و همدردی و همکاری فرا می‌خواند و همین سرشت همگانی است که اگر از انگیزه‌های گمراه‌کننده به سلامت عبور کند، انسانها را به توحید و معرفت ذات متعالی خداوند رهنمون می‌شود».

بررسی اندیشه‌ها و دیدگاه‌های مقام معظم رهبری نسبت به سیاست و روابط بین‌الملل نشان می‌دهد که این دیدگاه‌ها، ریشه در جهان بینی توحیدی و آموزه‌های اسلامی و نوع نگاه اسلام به انسان، تعاملات انسانی و غایت زندگی بشری در سطح فردی، جمعی و جهانی دارد. لذا آنچه در بحث سیاست و روابط بین‌الملل اهمیت می‌یابد، توجه به کارگزاری انسان و اراده اوست، به همین دلیل محور بحث روابط بین‌المللی و سیاست خارجی با توجه به جایگاه نقش انسان معنی و مفهوم می‌یابد؛ زیرا مطالعه روابط بین‌المللی در خردترین سطح خود به انسان و ماهیت انسان می‌پردازد. اسلام بیش از هر مکتبی به ابعاد وجود انسان توجه کرده و ماهیت دو گانه وی را مورد بحث قرار داده است.

مقام معظم رهبری به نقش انسان، اراده و قدرت انسان تاکید زیادی دارند و می‌فرمایند: "چون انسان بنده خداست، وابسته به خداست و با نیروی اندیشه و اراده می‌تواند حرکت تکاملی را به طرف خدا طی کند" (www.leader.ir، ۱۳۶۴/۶/۱۳) و "انسان در جهان بینی اسلام آن موجودی است که در او استعدادها فراوانی نهفته است این انسان می‌تواند در میدان‌های علم و دانش و کشف رمزها و حقایق خلقت تا بی‌نهایت پیش برود، در سیر مراتب معنوی و مراحل روحی می‌تواند تا بی‌نهایت پیش برود." (مقام معظم رهبری، ۱۳۶۵/۱۰/۱۹، www.leader.ir)

"درد بزرگ بشریت، از زمان حضرت آدم و ماجرای پسران آدم تا همیشه دنیا، خود خواهی و خودپرستی و سرتافتن از اطاعت خدا و ظلم و تبعیض و جهل است که بر اثر جهالت و ناآگاهی، راه را خطا می‌کند و پیامبران و راه هدایت را نمی‌شناسند". (مقام معظم رهبری، ۱۱/۲۴/۱۳۶۹، www.leader.ir) و عدم اطمینان، عدم آرامش، عدم نقطه اتکاء روحی، عدم انس و تواصل بین انسانها، احساس قربت، احساس انکسار، اینها امروز دردهایی است که تمدن غربی دچار آن است. (همان، ۱۳۷۴/۳/۳) حضرت آیت‌الله خامنه‌ای از لحاظ نظری طرح «دکترین ویژه روابط بین‌الملل بر پایه فطرت انسانی و عناصر توحید، عدالت، فضیلت و تجمیع ظرفیت‌های ملت‌ها در مبارزه با دیکتاتوری بین‌المللی نظام سلطه و پیش برد نظریه دیپلماسی عمومی مردمی بر پایه ارزش‌های انسانی و انقلابی» را طراحی کردند.

گفتمان انقلابی رهبری در عرصه‌های داخلی و روابط بین‌الملل، دیپلماسی انقلابی بر مدار ارزش‌های انسانی و فضیلت اخلاقی، توحید، عدالت و فضیلت محوری است. این دیپلماسی انقلابی مبتنی بر نفی سلطه، التزام به خط قرمزهای ارزش‌های اسلامی و تکیه و اعتماد بر ملت‌ها و تلاش برای ایجاد روحیه خودباوری و اعتماد به نفس، عزت، استقلال طلبی، آزادی خواهی و پیشرفت و مقابله با زیاده خواهی است. دیپلماسی انقلابی مبتنی بر نظر رهبری بر پایه آرمان‌های دست‌یافتنی شکل گرفته است. آرمان‌هایی که با واقعیت‌ها هم‌خوانی داشت و در واقع یکسان بود و اوج این دیپلماسی را ما در جنبش غیر متعهدها شاهد بودیم و رهبر معظم انقلاب تصریح کردند: که روابط بین‌الملل بر پایه فطرت انسانی نجات بخش بشریت است و روابط بین‌الملل فعلی که در حال دگرگونی است، هم از لحاظ نظری و هم از لحاظ فکری در حوزه اندیشه، ارزش‌ها، رفتار و عمل و همه چیز به واسطه این نظریه دیپلماسی تحت الشعاع قرار می‌گیرد؛ زیرا در نظریه روابط بین‌الملل بر پایه فطرت انسانی حق‌مداری، عدالت‌طلبی، ارزش‌های انسانی، حضور مردمی و اخلاق الهی برخواسته از تعالیم انبیاء موج می‌زند و این نظریه می‌تواند محور همکاری و هم‌افزایی و اشتراک مسائل کشورهای جهان باشد.

علاوه بر ظرفیت‌های حقوقی و ساختاری مربوط به جایگاه و نقش بی‌بدیل رهبری در نظام جمهوری اسلامی ایران، با رجوع به بیانات و گفتارهای حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در حوزه روابط بین‌الملل می‌توان به این نتیجه رسید که «ضدیت با نظام سلطه اساس اندیشه ایشان است. که از دو بعد اهمیت دارد: ۱- بُعد اسلامی و دینی است که خداوند متعال به صراحت در آیه ۱۴۱ سوره نساء فرموده است: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا»، ۲- بعد ژئوپلیتیکی و

معطوف به لزوم ارتقای جایگاه نظام جمهوری اسلامی ایران در نظام بین‌المللی. (که البته این نظام بین‌الملل مبتنی بر سلطه و نظم شکل گرفته پس از جنگ‌های جهانی و جنگ سرد است) در اندیشه ایشان، امروز در دنیا نظام سلطه حاکم است و این نظام مسئول بدبختی ملت‌ها و انسان‌ها در سراسر عالم است. نظام سلطه یعنی اینکه کسی در دنیا به اتکای سرنیزه و زور، قلدری کند و شرم نکند و دیگران هم قلدری او را تحمل کنند. ایشان با توجه به اینکه قدرت در سطح بین‌المللی در دست افراد فاسد و غیر خدایی است از نظام بین‌المللی سلطه و نظام استکباری یاد می‌نمایند و مهمترین خصلت نظام بین‌المللی کنونی را نظام بین‌المللی سلطه می‌دانند.

مبانی فکری رویکرد مقام معظم رهبری به سیاست خارجی

راهبرد سه گانه عزت، حکمت و مصلحت رهبری در سیاست خارجی

«عزت، حکمت و مصلحت» را می‌توان به عنوان سه اصل محوری و ثابتی که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر مبنای آن شکل گرفته است نام برد؛ سه اصل محوری که رهبر انقلاب در سال‌های گذشته به عنوان پایه‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مطرح کرده‌اند و همچنین تعامل ایران با جهان را در سند چشم‌انداز بیست ساله کشور بر پایه این سه اصل پیش بینی کرده‌اند.

رهبر معظم انقلاب اسلامی این سه اصل را «یک مثلث الزامی برای چارچوب ارتباطات بین‌المللی» دانسته و فرمودند: عزت: ((الاسلام یعلوا و لایعلی علیه))، ((لن یجعل الله للکافرین علی المؤمنین سبیلا))، یعنی ما نمی‌خواهیم عزتمان را با تکیه بر نژاد و ناسیونالیسم و حرف‌هایی که متاسفانه همه دنیا با تکیه به آنها دور خودشان یک حصار می‌کشند ثابت کنیم.

اسراتژی نفی رابطه سلطه‌گر و سلطه‌پذیر

اصل ۱۵۲ قانون اساسی، اصل عدم تعهد را در سرلوحه سیاست خارجی جمهوری اسلامی بر می‌شمرد: «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، براساس نفی هرگونه سلطه جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرتهای سلطه‌گر و روابط صلح آمیز متقابل با دول غیرمحراب استوار است.»

حضرت آیت الله خامنه‌ای ضمن تأکید بر کارساز نبودن تسلیم در مقابل دشمن می‌فرماید: «بزرگترین بلایی که مستقیم و غیرمستقیم در این دو بیست سال دوران استعمار بر سر ملت‌های شرق و به خصوص ملت‌های اسلامی آمده همین مرعوب شدن و عقب نشینی کردن در مقابل

تبلیغات و حمله‌های غرب است.» در رابطه با راه علاج و مقابله با دشمنان و بدخواهان می‌فرمایند: «ملت ایران یک راه علاج دارد و همان راه علاجی است که تا به امروز دنبال کرده و آن ایستادگی و حضور مردم در صحنه است.» و تأکید می‌کنند که «عزت، آزادی و استقلال ما در سایه ایستادگی در مقابل استکبار جهانی است.»

از دیدگاه، رهبر معظم انقلاب، در عرصه سیاست خارجی با چنان پشتوانه و روحیه‌ای باید به ایفای نقش، مذاکره و هموردی پرداخت تا قدرت‌های سلطه‌گر متکبر نتوانند خواست‌های خود را تحمیل کنند. ایشان در همین رابطه به بیان چگونگی تعامل و روابط با دیگر کشورها می‌پردازند و خاطر نشان می‌کنند: «در تعامل و مناسبات دو جانبه همواره باید تنظیم روابط مد نظر باشد و به گونه‌ای عمل شود که طرف مقابل احساس کند هرگونه رفتار مثبت و یا منفی، دارای واکنش و نتیجه متناسب با آن خواهد بود.» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۹/۲۴، www.leader.ir)

ضدیت با نظام سلطه در دکترین سیاست خارجی آیت‌الله خامنه‌ای در سه سطح منطقه‌ای، بلوک یا امت اسلامی و بین‌المللی، قابلیت به کارگیری دارد و ممکن است به همین ترتیب نیز از اولویت برخوردار باشد. در سطح منطقه‌ای و کشورهای همسایه ایران که به طور طبیعی حوزه نفوذ ژئوپلیتیک، امنیتی، اقتصادی، تمدنی و فرهنگی کشور به حساب می‌آیند، مبارزه و مقاومت در برابر نفوذ و سلطه بیگانگان اهمیت بیشتری می‌یابد، زیرا در این حوزه ترتیبات مذکور دارای تأثیر و تأثر از یکدیگر بوده و وضعیت کشورهای همسایه به طور طبیعی از یک پیوستگی و گره‌خوردگی برخوردار است. (امینی، ۱۳۶۰: ۲۷)

اصل حفظ و حمایت از هویت نظام اسلامی (حفظ جهت‌گیری اسلامی انقلابی)

یکی از وجوه بسیار مهم سیاست خارجی جمهوری اسلامی حفظ وجه انقلابی سیاست خارجی آن است. انقلاب اسلامی ویژگی‌های خاصی دارد که آن را از انقلاب‌های مدرن قرن بیستم متمایز می‌کند به طور مثال اینکه: «انقلاب اسلامی اولین انقلابی بود که مدیون ایدئولوژی اروپایی نبود و بدون قدرت حمایت‌های بزرگ به حیات خویش ادامه داد، این انقلاب دارای بنیان‌های مذهبی بسیار عمیقی بود که توسط روحانیون رهبری می‌شد.» (لاریجانی، ۱۳۶۹: ۲۷)

با توجه به اهداف جهان شمولی که جمهوری اسلامی تعقیب می‌نماید، مسلماً منافع قدرت‌های بزرگ و مستکبر جهانی را به خطر می‌اندازد و طبیعی است که این دولت‌ها ساکت نخواهند نشست و سعی خواهند کرد با به کار گرفتن کلیه ابزار فشار و زور به طرق مختلف آن را به زانو در آورده و از تعقیب اهدافش باز دارند؛ چنانچه در اندیشه رهبری نیز مهمترین عامل اختلاف و

دشمنی ابر قدرت‌ها با ایران بر سر همین مسئله می‌باشد به طوری که می‌فرمایند: «همان چیزی که موجب دشمنی‌ها با ماست، همان چیز موجب پیشرفت دیپلماسی ماست. یعنی همین روحیه اسلامی، تمسک اسلامی، توسل و تمسک به اصول اسلامی و...». (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۱/۱، www.leader.ir)

در این راستا مقام معظم رهبری عوامل موثر در فعالیت‌ها و رفتار سفیران جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور را بسیار گسترده و پیچیده و در عین حال ظریف و حساس دانسته و معتقدند که اقتدار نظام جمهوری اسلامی در پایبندی سفرا و نمایندگان سیاسی به اصول اسلامی است: «برادران عزیز! هر چه پایبندی به اصول اسلامی و روش‌های آن بیشتر تاکید بورزید، موفق‌تر خواهید بود. موفقیت امروز دیپلماسی ما که دنیا و حتی مخالفان ما بدان اذعان دارند، درجه اول مدیون تقید و پایبندی شما دست اندرکاران است. این را حفظ کنید... چیزی که در ما استثنایی است و توجه دنیا و احترام دیگران را جلب می‌کند، همین پایبندی ما به یک فکر و اعتقاد الهی است که آن را نشان می‌دهیم. این اعتقاد و پایبندی را هر چه ممکن است حفظ کنید و این کار با ظواهر و امانت اسلامی و پایبندی‌های شدید اسلامی تامین خواهد شد و لاغیر!»

رویکرد اسلامی نه تنها در تکوین انقلاب بلکه در وجه انقلابی سیاست خارجی ایران نیز موثر می‌باشد لذا «هرگونه تقلیل و تخفیف گرایی در مواضع، سویه‌ها و اقدامات، بستر ساز تهدیدی به نام عبور از خود و براندازی خود شده و نظام مستقر را در معرض بحران و نا کارآمدی قرار می‌دهد.» مقام معظم رهبری نیز برای تداوم خطوط کلی و سیاست‌های کلان نظام اسلامی تاکید خاصی دارند و می‌فرمایند: «باید تصمیم بگیریم که خط انقلاب را به معنای حقیقی کلمه و بدون هیچ‌گونه کمبود و کسری و پذیرش ساییدگی در گوشه‌ای از این هدف‌ها با قاطعیت و قدرت به سمت هدف‌های انقلاب ادامه دهیم.» مقام معظم رهبری با بیان اینکه «اگر ما برای جامعه انقلابی و اسلامی، به دیپلماسی انقلابی و اسلامی قائل هستیم، باید در درجه اول جهت‌گیری اسلامی حفظ شد و گستاخی و شجاعت در مقابل تهدیدهای دشمنان و قدرت‌های بزرگ و نیز حاکمیت عقل و منطق بر تصمیم‌گیریها و حرکات، مورد توجه قرار بگیرد. این، خط درست دیپلماسی است.» همچنین در راستای اهمیت حفظ هویت دینی و اسلامی کشور در حوزه روابط سیاسی در سطح بین‌الملل این چنین می‌فرماید: «ما به عنوان یک نظام، فرق‌های عنصری و جوهری با تقریباً همه نظام‌های دنیا داریم که کاریش هم نمی‌شود کرد. ما نباید از حرف‌های مان عدول کنیم در غیر این صورت آن زمان، جمهوری اسلامی فقط یک اسم خواهد بود»، «اهداف راهبردی و

قواره کلی سیاست خارجی امروز ما با ساعت اول انقلاب هیچ تفاوتی نکرده؛ این، آن نکته اساسی و اصلی است که در ذهن همه کارگزاران سیاست خارجی ما بایستی وجود داشته باشد».

جمهوری اسلامی ایران به دلیل اسلامی بودنش دیپلماسی متفاوت و جداگانه‌ای در سطح روابط بین‌الملل خواهد داشت که رهبری نیز در سخنان خود بارها به ارتباط این دو موضوع با یکدیگر اشاره کرده‌اند و معتقد بر این دیپلماسی متفاوت اسلامی ایران هستند و می‌فرمایند: «شما در یک جبهه‌ای دارید پیکار می‌کنید که با جبهه دیپلماسی دنیا متفاوت است. عرصه دیپلماسی، همه جا عرصه هم‌وردی و مقابله است؛ چون منافع کشورها، منافع ملتها با یکدیگر اصطکاک پیدا می‌کند، تصادم پیدا می‌کند این تصادم‌ها در موارد زیادی خودش را در میدان دیپلماسی نشان می‌دهد؛ لذا همه جا این درگیری و هم‌وردی وجود دارد. لیکن مسئله شما فراتر از این است. شما نماینده یک نظام الهی و معنوی هستید. این نظام اگر هیچ کاری هم با هیچ یک از قدرت‌ها و دولت‌های مستکبر دنیا نداشته باشد، آنها با او کار دارند؛ چون طبیعت این نظام طبیعت مقابله با ظلم و تجاوز است. الآن شما در همین کشورهای تازه به پا خواسته و ملت‌های بیدار شده ملاحظه کنید؛ هر جایی که گفته می‌شود فلان جبهه اسلامی غلبه کرد یا در انتخابات یا در تظاهرات دستگاه استکبار نگران می‌شود و نگرانی خودش را بروز می‌دهد؛ در حالی که معلوم نیست اینهایی که در انتخابات پیروز شده‌اند بعداً چگونه عمل خواهند کرد. آنچه که آنها را متوحش می‌کند نفس گرایش اسلامی است چون گرایش اسلامی در درون خود ضد استکباری است، ضد ظلم، ضد اشغالگری است. ضد تجاوز به حقوق انسان‌هاست یعنی چیزهایی که پایه‌های حکومت استکباری در دنیا است. حکومت استکباری در دنیا بدون دخالت در کشورها، حقوق ملتها، بدون تعرض به منافع ملتها که نمی‌تواند سرپای خود بایستد؛ چون این پایه‌ها با اسلام، با نام اسلام، با شعار اسلام، با هویت اسلامی در تضاد طبیعی است؛ لذا هر جایی که نامی از اسلام آورده می‌شود؛ اینها نگران می‌شوند.»

یکی از اساسی و اصلی‌ترین راهکارها برای حفظ هویت اسلامی در سطح بین‌الملل استفاده از ظرفیت‌های جهان اسلام و بهره‌برداری از ثمرات مفید ناشی از اتحاد با دول اسلامی است چنانچه مقام معظم رهبری در بیانات خود اینگونه خاطر نشان کردند که: «یکی از راهکارهای استفاده ظرفیت بالای جهان اسلام، این است که ما دنیای اسلام را به اتحاد ممکن اسلامی - همان مقدار که ممکن است - دعوت کنی»، «نقش اسلام را در دنیا هر چه می‌توانید، پررنگتر کنید. بگردید با

ابتکار، ببینید کجاها می‌توان برای اسلام نقش آفرینی کرد؛ نه فقط برای ایران اسلامی، بلکه برای اسلام».

استراتژی حمایت از مظلومان و مستضعفان

همه مردم جهان چه مسلمان و چه غیرمسلمان وظیفه دارند که هر کجا که شاهد ظلم ظالم یا مظلومیت بودند، در جهت حمایت از عدالت و حقوق مظلومین علیه ظالم برخیزند و قیام کنند. حمایت از مظلومین نه تنها مسئله‌ای شرعی و دینی برای مسلمانان است بلکه وظیفه‌ای انسانی برای همه آحاد مردم دنیا به شمار می‌آید چرا که نفع این حمایت نیز به خود جامعه بشریت می‌رسد. زیرا چنانچه امروز از مظلومیت مظلومی حمایت نکند و علیه ظالم به پانخیزد، فردا روز خودش مورد ظلم واقع می‌شود. امروز وظیفه مسلمانان جهان در مقابل سایر مردم وظیفه‌ای دو چندان است چرا که امروز فردی که مورد ظلم واقع شده است فردی مسلمان است و همان طور که در اسلام نیز تاکید بسیار شده است مسلمان باید در مقابل ظلم در هر جای دنیا برخیزد و مقابله کند. امام علی (ع) نیز در آخرین لحظات عمر خود خطاب به فرزندان‌شان فرمودند: «هر کجا که ظالمی دیدید با آن دشمنی کنید و از مظلومان حمایت کنید».

در اسلام حرکت علیه ظالم و حمایت از مظلوم یک اصل به شمار می‌آید با توجه به بیانات اخیر مقام معظم رهبری که در خطبه‌های نماز عید سعید فطر امسال نیز بر این اصل انسانی و بشری اشاره و بر لزوم حمایت همه جانبه جامعه جهانی به ویژه جامعه اسلام از مردم مظلوم غزه و فلسطین تاکید کردند. یکی از مزیت‌های نسبی و برگ‌های برنده جمهوری اسلامی ایران در میان همه کشورهای اسلامی، حمایت حقیقی و دائمی از گروه‌ها و مردم تحت ظلم در سراسر جهان است؛ تا جایی که رسانه‌های غربی هر حرکت ضداستکباری و ضداستعماری در جهان را که در کشوری صورت بگیرد، به نحوی به ایران مربوط می‌دانند. این رویکرد حمایتی ایران از گروه‌ها و نهادهای مستضعفی که در برابر قدرت‌های سلطه‌گر ایستادگی می‌کنند، سبب شده تا نام جمهوری اسلامی ایران با حمایت از مظلومان عجین باشد و ملت‌های مظلوم در سراسر جهان، به جمع حامیان ایران بپیوندند.

هدف نظام اسلامی، هدف و راهی است که اسلام معین کرده، نه در آن ظلم هست و نه تجاوز به حقوق انسانها و نه بی‌اعتنایی به تجاوزاتی که مردم ظالم نسبت به مردم مظلوم روا می‌دارند. هدف جمهوری اسلامی، سعادت نسل بشر و عزت و خوشبختی و بهروزی امت واحده اسلام است. هدف نظام اسلامی، هدف و راهی است که اسلام معین کرده، نه در آن ظلم هست و نه

تجاوز به حقوق انسانها و نه بی‌اعتنایی به تجاوزاتی که مردم ظالم نسبت به مردم مظلوم روا می‌دارند. هدف جمهوری اسلامی، سعادت نسل بشر و عزت و خوشبختی و بهروزی امت واحده اسلام است. «ملت آزاده ایران هم اکنون از ملت‌های مستضعف جهان، در مقابل آنان که منطقتشان توپ و تانک و شعارشان سر نیزه است، کاملاً پشتیبانی می‌نماید. ما از تمام نهضت‌های آزادی بخش در سراسر جهان که در راه خدا و حق و حقیقت و آزادی مبارزه می‌کنند، پشتیبانی می‌کنیم».

اهمیت جایگاه دین و ایدئولوژی در سیاست خارجی

جمهوری اسلامی نظامی است که مبتنی بر آموزه‌های اسلام ناب محمدی بوده و بنابراین ایدئولوژی اسلامی (ایدئولوژی به معنایی که با اسلام تعارضی نداشته باشد) نقش مهمی در ساختارهای آن ایفا می‌کند. این نظام، نظامی است که مهمترین ویژگی آن این است که نظامی است برپایه ایمان به؛ خدای یکتا (لااله الاالله) و اختصاص حاکمیت و تشریح به او و لزوم تسلیم در برابر امر او، وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین و....

اسلام، آیینی است جامع، فراگیر، جاودانه و... مخاطبان احکام اسلامی و قوانین قرآنی، نژاد و گروه خاصی در زمانی و مکان ویژه‌ای نیستند، بلکه همه مردم، از هر نژاد و ملیتی، با هر زبان و فرهنگی و دارای هر عقیده و مرامی، در سراسر گیتی و در همیشه تاریخ، مخاطب پیامها و مشمول احکام و آیینهای اسلام و قرآن هستند.

آیت الله جوادی آملی در بیانی نغز در این رابطه چنین می‌فرماید: «اسلام از آن جهت که دین الهی است و از آن جهت که کامل و خاتم همه ادیان و مکتب هاست، برای اجرای احکامش و برای ایجاد قسط و عدل در جامعه، حکومت و دولت می‌خواهد. برای نبرد با طاغوت و ستیز با ظلم و تعدی طاغوتیان، حکومت و حاکم می‌خواهد»، از این بیان بخوبی بر می‌آید که چرا ما باید در دین اندیشه سیاسی داشته باشیم چون: اولاً: دین اسلام جامع بوده و اگر به مسائل سیاسی نپردازد این امر موجب نقص آن شده که خلاف مدعی خواهد بود و با کامل بودن آن در تنافی است. ثانیاً: هدف از ارسال احکام از سوی خداوند، تحقیقاً پیاده سازی آن بوده تا در پرتو آن انسان به سعادت هر دو جهان رهنمون گردد که این مهم در سایه تشکیل حکومت ممکن خواهد بود. ثالثاً: یکی از اهداف عالیه دین، برقراری قسط و عدل بوده که این امر تنها در سایه حاکمیت دینی میسر خواهد شد.

ابعاً: بر اساس آموزه‌های دینی، هیچ مسلمانی حق ندارد ظلم کرده و یا ظلم را بپذیرد. بنابراین برای دفع ظلم طاغوتیان و مبارزه با آنان نیازمند سیستم دفاعی خواهیم بود که این هم با شکل -

گیری حکومت امکان خواهد یافت. بر اساس بیانات رهبری یکی از فاکتورهای هندسه نوین جهانی، توجه به خداوند متعال است. نشانه بزرگ و واضح این دوران عبارت است از توجه به خدای متعال و استمداد از قدرت لایزال الهی و تکیه به وحی. بشر امروز، که به علت سیاست برخی از کشورها غرق در لذایذ مادی شده است، در درون خود نوعی خلأ را احساس می‌نماید. رهاورد چنین سیاست‌هایی برای بشر امروز یا پوچ‌گرایی بدون ارزش‌های اخلاقی و معنوی درونی است یا غرق ماندن در امور مادی و ظاهری.

نگاه جهان شمول در سیاست خارجی (نگاه انسانی و نه سرزمینی)

اسلام به عنوان یک دین جهان شمول رویکرد خاصی نسبت به ماهیت روابط بین‌الملل دارد که متفاوت از دو جریان اصلی نظریه‌پردازی در روابط بین‌الملل یعنی رئالیسم و لیبرالیسم می‌باشد. مکاتب موجود در روابط بین‌الملل دارای مبانی هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی متفاوتی از هم می‌باشند.

بازگشت دین به عرصه نظام بین‌الملل باعث شده تا این موضوع از منظرهای گوناگون و جدیدی مورد مطالعه دانشگاهیان، دانش پژوهان و صاحب نظران مختلف قرار گیرد. اسلام با داشتن پارامترهای قدرتی مهم و تاثیرگذار در عرصه روابط بین‌الملل، مهمترین دین مطرح در این مباحث فکری محسوب شود. در دهه‌های گذشته اصول‌گرایی دینی به عامل تاثیرگذاری مهمی هم در عرصه داخلی و هم در عرصه بین‌الملل تبدیل شده است. دین سیاسی شده جایگاه خود را در عرصه سیاست بین‌الملل پیدا کرده است. بنیادگرایی با انگیزه دینی و تنازع بین‌المللی بر روی موضوعات حقوق بشری از جمله حقوق بشر دینی از همه بیشتر در موضوعات سیاست بین‌الملل مطرح می‌باشد. به علاوه موضوعات و مسایل فرامرزی مانند حقوق بشر زنان و طرح کنترل موالید در خانواده نیز دارای وجوه دینی هستند و موضوعاتی مانند تروریسم، اصول‌گرایی دینی و اسلام سیاسی با تاکید بیشتری مورد مطالعه قرار می‌گیرند.

یورگن مایر، "پنج سناریو" را برای آینده دین و سیاست ارایه می‌کند که مثبت‌ترین آن معالجه سیاست به وسیله دین است، و به این تناقض اشاره می‌کند که اگر چه دولت‌های مدرن اغلب از لحاظ اخلاقی فاسد دانسته می‌شوند و از لحاظ معنوی در خلاء هستند ولی سکولاریسم به وسیله دین و ارزش‌های آن تعدیل می‌شود. برای نزدیک‌تر کردن دین و سیاست خطرات کمتری وجود دارد تا اینکه وضعیت فعلی در مورد سکولاریسم باقی بماند. بعد از جنگ سرد و رشد فرآیند جهانی شدن، پارادایم جدیدی در روابط بین‌الملل بر محوریت دین و معناگرایی در نظام بین‌الملل

شکل گرفت که در این فرآیند (جهانی شدن)، ادیان بزرگ و بالاخص دین اسلام در ابعاد مختلف زندگی بشری (اقتصاد، فرهنگ، سیاست) و همچنین معادلات نظام جهانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار هستند. طلوع انقلاب اسلامی ایران که در قالب یک حرکت مردمی و ناب شکل گرفت و با تکیه بر ارزش‌های اسلامی خواستار ایجاد شکل جدیدی از روابط میان ملل جهان بود نه تنها نقطه عطفی در تاریخ تحولات ایران بلکه نقطه عطفی در همه جهان محسوب می‌شود. احیای اسلام مهمترین ثمره انقلاب اسلامی ایران است. با این حرکت عظیم جهان اسلام پویایی نوینی یافت که پس از مدتی آثار آن به خوبی در لبنان، افغانستان، ترکیه، الجزایر، عراق و سایر کشورهای اسلامی به خوبی احساس می‌شد. تفکر بازگشت به اسلام ناب جوهره تفکر همه این حرکت‌ها محسوب می‌شود. «ویژگی اصلی انقلاب اسلامی، تبلیغ اسلام و اصول اساسی آن است. جهان شمولی اسلامی با انقلاب ایران، بیشترین ارتباط را دارد. چرا که صدور انقلاب به معنای صدور احساس، همبستگی، روحیه و شور نسبت به عقاید و اعمال اسلامی است».

- اصل حفظ تعامل با جامعه جهانی

تلاش همه جانبه برای پایان دادن به ناآرامی‌ها، برادرکشی‌ها، خشونت‌های فرقه‌ای و قبیله‌ای و بی‌عدالتی‌ها در هر نقطه از جهان خواست قطعی همه ملت‌ها در جامعه جهانی است. در تعاملات بین‌المللی، دولت تلاش خواهد نمود تا با ایجاد اعتماد متقابل بهتر و بیشتر بین ایران و کشورهای منطقه و جهان، امنیت ملی و پیرامونی خود را گسترش دهد. «جمهوری اسلامی ایران خواهان تعامل با جامعه جهانی و سازمان ملل متحد است». ایران با ارایه چهره‌ای مثبت برای حل مسایل مختلف بین‌المللی علاقمندی خود را به تعامل با همه کشورهای جهان برای حل موضوع‌های مختلف نشان داده است. نمونه این رویکرد را هنگامی شاهد بودیم که بسیاری از کارشناسان داخلی و خارجی، گفتگوهای هسته‌ای را بی‌ثمر می‌دانستند اما تأکید بر ادامه رایزنی‌ها و تعامل نشان داد که برای ایران، دوری از انزوا و تلاش برای ورود در عرصه‌های جهانی موفقیت‌آمیز خواهد بود و نه تنها امری شدنی بلکه ضروری است.

از آنجا که جمهوری اسلامی ایران از همان ابتدای تشکیل بر اساس آموزه‌های اسلامی با هدف گسترش عدالت، آزادی خواهی، برابری و صلح در جهان و برای تمامی جهانیان بنیان نهاده شد، بنابراین گسترش روابط با کلیه ملت‌ها و کشورهای جهان براساس احترام متقابل و منافع مشترک، نفی هر گونه سلطه‌گری و سلطه‌پذیری و تأکید بر نهادینه شدن حقوق بین‌الملل، تلاش در جهت کاهش تشنج در منطقه و جهان، تقویت انسجام و وحدت کشورهای اسلامی و غیر متعهد

«از جمله اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در گذشته، حال و آینده به شمار می‌رود، افتخار ایران و جمهوری اسلامی ایران آن است که هیچ‌گاه در طول تاریخ تجاوزی را به کشوری صورت نداده، و همواره با وجود آنکه در کانون مطامع جهانی قرار داشته، اما در ترتیبات صلح آمیز جهانی نقش مؤثر و فعال داشته است».

طی این سالها، رهبری ایران چه در دوره امام‌خمينی(ره) و چه در عهد آیت‌الله خامنه‌ای، توجه و رویکرد به تعامل با کشورها و جامعه جهانی را به عنوان یکی از اصول دیپلماسی ایران تثبیت کرده است. به باور ایشان تماس و تبادل با کشورهای دیگر در صحنه بین‌المللی صرف نظر از مذاکرات و امور جاری دستگاه‌های اداری دولت‌های پس از انقلاب، ضرورتی برای دفاع از هویت و اصالت انقلاب اسلامی و کيان جمهوری اسلامی ایران بوده و هست.

رهبری ایران، به حق حاکمیت کشورها و عدم تعرض و تهاجم به مرزهای دیگران، به عنوان راهی برای حفظ صلح جهانی اعتقاد داشته است. گفتگو با حفظ احترام به حقوق طرف مقابل و بر اساس حسن نیت، رویه مذاکراتی ایشان در تمام تماس‌ها و ملاقات‌هایی بوده است که طی این ۱۹ سال رهبری خویش با رهبران دنیا داشته‌اند. در این گفتگوها فقط جایگاه سیاسی رئیس یک قدرت بزرگ چون روسیه یا موقعیت اجتماعی یک رهبر مردمی چون سید حسن نصرالله ملاک قضاوت ایشان نبوده است، بلکه عضویت یکسان همه دولت‌ها و مقبولیت اجتماعی همه رهبران سیاسی و وظیفه حفظ صلح جهانی است که سبب شده تا ایشان به دور از تشریفات مرسوم پذیرای آنها باشند، بنابراین، تعامل با جهان در صورتی که بر پایه ارزش‌های نظام و منافع ملی باشد، یک خط مشی مطلوب است. اما بر اساس آموزه‌های رهبری، این خط مشی اولاً شامل رژیم اشغالگر قدس نمی‌شود و مبنای این امر، ذات نامشروع این رژیم است. ثانیاً در مورد امریکا نیز این خط مشی اثرگذار و مفید نیست. زیرا این کشور نیز ذات خصمانه‌ای دارد و با ماهیت و هویت اسلامی این کشور مشکل دارد. ضمن اینکه تجارب مذاکرات هسته‌ای هم این نکته را ثابت کرده است.

صرفنظر از رژیم صهیونیستی که امحای آن از وعده‌های الهی و سیاست‌های تغییر ناپذیر نظام است، مساله نفی تعامل با امریکا یک چشم انداز و افق روشن تاثیرگذار بر سیاست خارجی ج.ا.ایران دارد. از آنجا که ممکن است برخی افراد در عرصه سیاست خارجی تصور کنند که از طریق مذاکره می‌توان با امریکا تعامل کرد و رابطه عادی برقرار نمود، پیام رهبری این است که

این امیدها، واهی و بی اساس است و قطعاً ابعاد رسمی سیاست خارجی کشور نباید برنامه دیپلماسی را بر این اساس طرح ریزی نمایند.

مسئولیت دولتها در حفظ نظم و صلح جهانی از جمله مواردی که جمهوری اسلامی ایران به آن اهمیت زیادی در سیاست خارجی خود می‌دهد. امری که تمامی دولتها را فارغ از جایگاه و توان آنان در بر می‌گیرد. حفظ صلح و نظم جهانی متعلق است به تمامی مردمان جهان است و هیچ کشوری از جمله قدرت‌های بزرگ نباید حق برقراری نظم را برای خود قایل بوده و برای آن از هر وسیله‌ای بهره گرفته و دیگران را با استفاده از زور وادار به تمکین کنند.

به اعتقاد جمهوری اسلامی ایران عدم نقض قواعد و هنجارهای بین‌المللی وظیفه تمامی دولتها است و نمی‌توان هیچ دولتی را از مسئولیتی که نسبت به نظام بین‌المللی دارد مبرا دانست. این امر تنها از طریق توسعه روابط مسالمت آمیز میان دولتها ممکن است. پذیرش حاکمیت و عدم مداخله در امور دیگران دو اصل اساسی در این زمینه است. جمهوری اسلامی ایران به این امر باور دارد که که مسئولیت بین‌المللی دولتها تنها تعهد به عدم تجاوز به حقوق دیگران نمی‌باشد، بلکه تعهد به اجرای قواعد و هنجارهای مورد اجماع بین‌المللی را نیز در بر می‌گیرد و این امری است که ما به آن باور داشته و به آن عمل کرده و خواهیم کرد.

- اصل تأمین و تضمین منافع ملی

جمهوری اسلامی ایران معتقد است جامعه جهانی باید به یک درک مشترک برسد که در آن منافع تمامی ملتها مورد احترام قرار گرفته و همین امر شرط تحقق همکاری و صلح در جهان قرار گیرد، نه پی ریزی نظامی سلسله مراتبی که در آن کشورهای جهان برای تحقق منافع گروه خاصی از دولتها فعالیت می‌کنند. تروریسم ارمغان چنین نظامی است و باید به دنبال ریشه‌های روانی، سیاسی و فرهنگی آن بود. به هر اندازه حاشیه نشینان نظام بین‌المللی فزونی یابند، اقدامات غیر متعارف آنان برای بیان خواسته‌ها و عقایدشان بیشتر خواهد شد. ترور و تروریسم در هر شرایط آن محکوم است. به عنوان نمونه در جهت ادعای فوق می‌توان عملکرد ایران را در مورد اقدام تروریستی ۱۱ سپتامبر برشمرد. اما این نکته را هم باید در نظر داشت که، دنیای بعد از ۱۱ سپتامبر نه یکپارچه تداوم داشته و نه یکباره همه چیز تغییر کرده است. در قالب این تداوم و تغییر است که می‌توان نقش فزاینده دولتها و بازگشت جدی و مؤثر آنها در عرصه تأمین امنیت، کم شدن نسبی نقش بازیگران غیر دولتی و ظهور بازیگران شبکه‌ای را شاهد بود.

جمهوری اسلامی ایران همواره در سیاست خارجی خود تفاوت را پذیرفته و بر اساس آن نگرشی دو سویه برای حق و منافع کشورها قایل است. نظام جمهوری اسلامی ایران احترام متقابل را مبنا قرار داده و بر اساس آن حاضر است با تمامی کشورهای جهان، به غیر از رژیم صهیونیستی، همکاری و ارتباطی سازنده برقرار سازد. لازمه این امر پذیرش حاکمیت، احترام متقابل، و عدم دخالت در امور داخلی یکدیگر است که خود را به آن پایبند دانسته و امیدواریم دیگران نیز خود را به آن پایبند بدانند.

رهبر انقلاب «هویت ملی، اسلامی، انقلابی و تاریخی» را سرمایه ملی ایرانیان می‌داند و معتقد هستند که: «استقلال برآمده از انقلاب اسلامی، دین، ملت مؤمن، جوانان انقلابی، سخن قاطع در مقابل زیاده خواهان، دانشمندان، نخبگان و فعالیت‌های علمی از جمله عناصر سرمایه ملی هستند که باید در عرصه دیپلماسی حفظ شوند تا منافع ملی هم تأمین شود. منافع ملی جمهوری اسلامی ایران همانند دیگر کشورها از دو دسته از عناصر مادی و معنوی تشکیل شده».

ایدئولوژی اسلامی نه تنها یکی از مقومات منافع ملی ایران است بلکه خود نیز بخشی از منافع ملی آن است. همانگونه که اجزا تشکیل دهنده هویت ملی ایران، ترکیبی از عناصر ایرانی، اسلامی، جهان سومی و بین‌المللی است، منافع آن نیز آمیزه‌ای از ارزش‌های مختلف نشأت گرفته از این ساختارهای هنجاری است. در نتیجه تمایز و تفکیک بین منافع ملی و مصالح اسلامی دقیق نیست. زیرا این تقسیم بندی مستلزم تعریف و تعیین هویت ملی ایران بر اساس دو عنصر مجزای ایرانی و اسلامیت است. در صورتی که این دو در ساختار هویت ملی ایران عنصر واحدی را بوجود آورده‌اند که تجزیه ناپذیر است و همانگونه که تفکیک بین دو جز ایرانی و اسلامی هویت ملی ایران امکان ناپذیر است، تفکیک بین منافع ملی و مصالح اسلامی نیز غیر ممکن است در نتیجه باید سعی گردد تا با ایجاد هماهنگی و توازن میان ایدئولوژی، پراگماتیسم و عقلانیت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را به اهداف مندرج در منافع ملی خود هدایت کند.

رهبری ایران در برابر چالش‌های اقتصادی و توسعه‌ای برای نسل‌های آینده، و حفظ توان و دانش بومی کشور مسئولانه عمل می‌کنند. در این مسیر، توانایی و دانش هسته‌ای صلح آمیز کنونی کشور باید به عنوان میراث نسل انقلاب برای آیندگان به عنوان یک دست‌آورد ملی و با اهداف صلح آمیز تضمین شده، باقی بماند. پویایی (بالندگی) چنین آرمانی در قالب مشارکت جمعی با احترام به ضوابط بین‌المللی است که ایران آنها را پذیرفته (معاهده عدم اشاعه) و بر اساس آن تکالیف، از حقوقی نیز برخوردار است، تا به این وسیله دغدغه‌های مشترک ایران و

دیگران پایان پذیرد. می‌توان گفت که مدیریت دیپلماسی کشور، اقدامی است که در بسیاری موارد، شبیه به صفحه شطرنجی است که نه به جنگ محدود می‌شود و نه هدفش محو کامل منافع ملی است، بلکه هدف اصلی آن، دستیابی به راه‌حلی معقول برای برطرف کردن شرایط غیر عادی به گونه‌ای است که منافع و ارزش‌های اساسی، حفظ و تأمین گردند. این هدف در برگیرنده سیاست جاری است و از طریق فرایندهای اجبار و انطباق پیگیری می‌شود تا در نهایت، به گرفتن بیش‌ترین امتیازات ممکن بیانجامد و موقعیت و جایگاه خودی، تا حد امکان بدون هرگونه تزلزلی حفظ شود.

بنابراین اجرایی شدن این امر «نیازمند یک نگرش فراجناحی است تا راه‌حلی معقول را برای برطرف کردن شرایط غیرعادی بیابد و به گونه‌ای عمل کند تا منافع و ارزش‌های اساسی، حفظ و تأمین گردند». این هدف در برگیرنده سیاست مثبت‌نگری و دوری از جنجال‌آفرینی با اظهارات غیر واقعی است و از طریق فرایندهای اجبار و انطباق پیگیری می‌شود تا در نهایت به گرفتن بیش‌ترین امتیازات ممکن از عرصه بین‌الملل شود و موقعیت و جایگاه خودی، تا حد امکان بدون هرگونه تزلزلی حفظ شود. چنانچه در مذاکرات اخیر توافقات بسیار مثبتی با جامعه جهانی صورت گرفت و موقعیت ما در عرصه بین‌الملل در سطح بالایی تثبیت شده است اما هنوز برای رسیدن به هدف مدنظر باید منتظر ماند.

استفاده از ظرفیت‌های داخلی و حفظ منافع ملی، عدم اعتماد به نظام سلطه، توجه به آرمان‌های انقلاب، از مهمترین مطالبات رهبری از دولتمردان می‌باشد، تحولات اخیر نشان داده است که چنانکه با هوشمندی و اقتدار در عرصه‌های مختلف بین‌المللی حضور یابیم تثبیت موقعیت برتر منطقه‌ای و اعتبار بین‌المللی ایران اسلامی در کوتاه‌ترین زمان، ممکن خواهد بود، اما لازمه آن ترجیح منافع ملی بر منافع گروهی است.

الف) ارکان نظام سلطه:

۱- سلطه‌گر: یعنی همان ابرقدرت‌ها

۲- سلطه‌پذیر: که دخالت‌های ابرقدرت‌ها را قبول می‌کنند

که هر دو طرف نظام سلطه (سلطه‌گر و سلطه‌پذیر) مقصر و مردود هستند. نظام سلطه در پشت سر خود فرهنگ سلطه را دارد. امروز دنیا به دو قطب و دو گروه تقسیم می‌شود: یک گروه مسلط‌ها، یک گروه تحت سلطه‌ها. هر دو گروه هم نظام سلطه را پذیرفته‌اند. هم قدرت‌های بزرگ معتقدند و باور دارند که این سلطه و این نظام تسلط باید برقرار باشد و هم آن کسانی که زیر

سلطه هستند، پذیرفتند و قبول کردند و تسلیم شدند که این نظام سلطه وجود داشته باشد. این بزرگ‌ترین عیب و اشکال در وضع کنونی جهان است! (مقام معظم رهبری، ۱۳۶۵/۱۱/۹، www.leader.ir) هر جا ساختاری اسلامی شکل بگیرد، ضدیت با ظلم و تجاوز و استعمار و استثمار و تحقیر مردم و بقیه نشانه‌های نظام سلطه امروز دنیا نیز در آنجا هست. چرا اینها این قدر با مسلمانها بدند؟ به خاطر اسلام؛ چرا با اسلام دشمن‌اند؟ چون اسلام در مقابل طمع ورزی‌های استکبار، یک مانع بزرگ به حساب می‌آید! هر جا اسلام حضور دارد، اجازه نمی‌دهد قدرتهای استکباری آنجا غارتگری کنند و به میل خود هر کاری می‌خواهند بکنند. (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۱/۱۱/۱۵، www.leader.ir). بر این اساس باید گفت که اگر ملتی تسلیم سلطه قدرت‌های بزرگ عالم شود، از دست رفته است. تسلط نظام سلطه نسبت به هر ملت و هر کشوری و در هر جایی مردود است، زیرا در این صورت منافع آن ملت نادیده گرفته شده و هویت و عزتش نابود خواهد شد.

ب) سلطه از سه طریق اعمال می‌شود:

۱- فرهنگ ۲- اقتصاد ۳- علم

«عمده موضوعاتی که قدرت‌های سلطه گر در نظام سلطه جهانی برای حفظ این رابطه سلطه گر و سلطه پذیر رویش تکیه می‌کنند، سه موضوع است: سلطه فرهنگی، سلطه اقتصادی، سلطه علمی. لازمه‌اش هم اینست که نگذارند آن طرف سلطه پذیر یا آن کسی که سلطه بر او تحمیل شده، در این سه زمینه به استقلال و خودباوری و پیشرفت برسد؛ نه در زمینه مسائل فرهنگی، شامل ایمان و اعتقاد و فرهنگی به معنای خاص؛ ارزش‌ها و هدفها و جهت گیریها؛ نه در زمینه اقتصادی و نه در زمینه علمی.» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۴/۴/۱، www.leader.ir)

ج) برخورد با نظام سلطه

در برخورد با نظام سلطه، دو نوع رفتار وجود دارد: ۱- تسلیم، ۲- مقاومت
تسلیم، زورگو را تشویق می‌کند. تسلیم ملت‌ها، تسلیم سیاسیون عالم، تسلیم روشنفکران جوامع مختلف در مقابل زورگویی‌های استکبار جهانی، مشوق سلطه گر در پیشبرد اهدافش است. هر ملت و دعوت و نظامی که فرهنگ سلطه جهانی را قبول کند، استکبار با او می‌تواند بسازد و با او بحثی ندارد. هر فرهنگ و ملت و نظامی که فرهنگ سلطه، یعنی حاکمیت خداوندان زر و زور و امپراتوری‌های قدرت جهانی را رد کند او در نظر و چشم آنها مبعوض است. (مقام معظم رهبری، ۱۳۶۸/۱۱/۱۲، www.leader.ir) پس مقاومت تنها راه نجات ملت‌ها و برطرف شدن مصائب و

گرفتاری‌های آنها در برابر جریان حاکم و رایج نظام سلطه در جهان است. در ظلمات سلطه استکبار و ظلم بر جهان امروز، اسلام و قرآن یگانه ملجئی است که می‌تواند ملتها را نجات دهد و به همین جهت قدرت‌های زورگویی جهانی، تا آنجا که بتوانند، با اسلام مقابله می‌کنند و در راه حاکمیت آن مانع می‌سازند. (حدیث ولایت، جلد ۹: ۲۷۱ - ۲۷۲)

د) ابزار اسلام برای مقابله با سلطه

۱- منطق قوی

۲- عدالت

اسلام دو وسیله دارد که با کمک این دو وسیله می‌تواند بر همه ادیان عالم پیروز شود همه دلها را جذب کند و همه منطق‌های پوشالی مقابل خود را شکست بدهد. آن دو وسیله چیست: یکی عبارت است از منطق قوی و استدلال محکم و دلایل متقن که اسلام از آن برخوردار است، دیگری عبارت از عدالت به معنای حقیقی کلمه و به صورت مطلق است. این دو ابزار برای پیشرفت اسلام است. (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۶/۱/۱، www.leader.ir) آنچه ملتها را به تغییر وضع موجود و رسیدن به نظام عادلانه جهانی ترغیب می‌سازد، ناشی از اصل محوری عدالت در نظم نوین جهانی است، زیرا با اجرای عدالت، به مهمترین نیازهای بشری پاسخ داده می‌شود. ملتها عدالت را دوست دارند، تشنه عدالت هستند و اگر ببینند ملتی پرچم عدالت را در دست گرفته است و در مقابل قلدرها و زورگوهای عالم و در راه عدل، فداکاری و ایستادگی می‌کند دلگرم و امیدوار می‌شوند. (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۱/۳/۳۰، www.leader.ir)

۳- ایمان

یک ابزاری وجود دارد که زور و زر و قدرت و فرعونیت و جباریت در مقابل او کارایی ندارد و همان نیروی انسان مؤمن است. انسان با ایمان وقتی وارد عمل بشود، وارد میدان بشود، ابزارهای مادی کند می‌شود. (همان، ۱۳۶۲/۱۲/۱۵)

ذ) ابزار سلطه:

۱- تبلیغات

(امواج رادیویی و این بوق‌های قوی برای آنها وسیله‌ای است برای اینکه توی دل ملتها را خالی کنند. برای خودشان قدرت‌های کاذب درست کنند. آبروهای مخدوش شده به خاطر ظلم‌ها و قساوت‌هایشان را با تبلیغات جبران کنند). (مقام معظم رهبری، ۱۳۶۳/۶/۸، www.leader.ir)

مهم‌ترین ابزار نظام سلطه اخم کردن و تشر است و اگر ملت‌ها " و دولت‌های اسلامی، دولت‌های جهان سوم) قدر قدرت خودشان را بدانند، این ابزار ناکارآمد می‌شود. (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۴/۱۱/۱۸، www.leader.ir) ابرقدرتها همانطور که بارها گفتیم از ابهت خود و هیبت سیاسی خودشان تغذیه می‌کنند. باطن کارشان از آنچه نشان می‌دهد سست‌تر و پوشالی‌تر است، از ابهت‌شان از هیمنه سیاسی و نظامی‌ایی که برای خودشان درست کرده‌اند بیشتر استفاده می‌کنند تا از قدرتهای واقعی که در آنها وجود دارد". (همان، ۱۳۶۳/۱/۱۰) ((اگر تبلیغات قوی نداشته باشند هیچی ندارند!)). (مقام معظم رهبری، ۱۳۶۳/۲/۸، www.leader.ir) و روش آن مبارزه با نظام سلطه از طریق شمشیر نیست، بلکه مبارزه‌ای به روش تحمل، کار حرفه‌ای سیاسی و شجاعت در میدان‌های لازم و متناسب با خودش است.

۲- حقوق بشر

ما به ادعاهای طرفداری از حقوق بشر، که امروز از طرف دولت‌ها و سازمان‌های وابسته به ابرقدرتها در دنیا اعلام می‌شود، کوچک‌ترین اعتقادی نداریم. ما اینها را فریب و خدعه و دروغ می‌دانیم. ما معتقدیم تروریسم در دامان رژیم آمریکا و بسیاری از حکومت‌های غربی و قدرت‌های زورگویی جهانی پرورش می‌یابد و رشد می‌کند. (همان، ۱۳۶۸/۴/۷، www.leader.ir)

۳- علم و فناوری

علم و عقل، ابزار دو جنبه‌ای است که می‌تواند در خدمت ارزشها قرار بگیرد، می‌تواند در خدمت سببیت و حیوانیت قرار بگیرد. بستگی دارد که مدیریت علم با چه کسی است اگر مدیریت علم به دست انسانهای دنیا طلب و قدرت طلب و زراندوز و سلطه طلب بود، همین می‌شود که شما امروز در دنیا مشاهده می‌کنید. یعنی علم ابزاری برای استعمار، استثمار، تحقیر ملت‌ها و اشغالگری و ... خواهد شد. (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۳/۱/۴، www.leader.ir)

۴- سازمان بین‌المللی

نظام سلطه به خود حق می‌دهد که سازمان‌های بین‌المللی را زیر فشار خود قرار دهد. نمونه حاضر آن فشار آمریکا بر شواری امنیت و یونسکو است. نظام سلطه منافع سلطه‌گران را مطلق و موجب نادیده انگاشتن منافع دیگران می‌شود. نمونه آن حضور تشنج‌زا و خطر آفرین ناوهای آمریکا در خلیج فارس است که به استدلال حفظ منافع آمریکا و بدون توجه به منافع کشورهای منطقه انجام گرفته است. (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۶/۱۱/۱۵، www.leader.ir)

۵- اعطای کمک و وام

خیال نکنید که طواغیت عالم به مردم کمک نمی‌کنند؛ به مردم کمک می‌کنند، اما کمک آنها برای خاطر احترام به مردم نیست، برای خاطر کمک به مستضعفان نیست، برای خاطر غبن یا کسب یک موقعیت برای خودشان است. (مقام معظم رهبری، ۱۳۶۶/۶/۱۵، www.leader.ir)

۶- مداخله نظامی

امروز می‌بینید قدرت استکبار با چهره نظامی‌گری با زبان زور با دنیا حرف می‌زند حتی لعاب ضخیم تبلیغات فریبنده رسانه‌های غربی هم دیگر نمی‌توانند این چهره زشت زورمداری و قدرت طلبی را بپوشانند. (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۱/۸/۷، www.leader.ir)

ر) سطوح تقابل با نظام سلطه:

۱- منطقه‌ای، ۲- بلوک اسلامی، ۳- سطح بین‌المللی

در سطح منطقه‌ای

کشورهای همسایه ایران که به طور طبیعی حوزه نفوذ ژئوپلتیک، امنیتی، اقتصادی، تمدنی و فرهنگی کشور به حساب می‌آیند، مبارزه و مقاومت در برابر نفوذ و سلطه بیگانگان اهمیت بیشتری دارد، چون در این حوزه ترتیبات مذکور دارای تأثیر و تأثر از یکدیگر بوده و وضعیت کشورهای همسایه به طور طبیعی از یک پیوستگی و گره‌خوردگی برخوردار است.

در سطح بلوک اسلامی

نیز که از آنها به عنوان عمق اعتقادی و ایدئولوژیک نظام جمهوری اسلامی یاد می‌کنند، ضدیت با نظام سلطه عاملی وحدت بخش و چاره‌ای برای برون رفت از مشکلات و عقب ماندگی‌های موجود به حساب می‌آید. از طرف دیگر این نفی با بازگشت ملت‌های مسلمان به هویت اصیل و اسلامی خود همراه خواهد بود.

در سطح بین‌المللی

ایده ضدیت با سلطه، مخاطبان فرامنطقه‌ای و جهانی خود را پیدا کرده است و جمهوری اسلامی ایران بر اساس این دکترین به مطرح شدن یک فکر نو و یک راه نو در برابر بشریت و در سطح جهانی و معادلات کلان حاکم بر سیاست جهان مبادرت ورزیده است زیرا دیو مهیب و نفرت‌انگیز سلطه ملت‌ها را تهدید می‌کند؛ تهدیدی که فقط متوجه ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی ایران نیست و متوجه همه دنیا است، متوجه اصل و اساس انسانیت است.

«امروز مسئله، مسئله سخن نوئی است که جمهوری اسلامی در دنیا مطرح کرده و مستکبرین عالم را دستپاچه کرده، امروز مستکبرین عالم در موضع کسانی نیستند که بخواهند با زبان مهاجم با انقلاب اسلامی حرف بزنند. امروز انقلاب اسلامی توانسته است فکر خود را در دنیا منتشر کند. علی‌رغم همه سانسورهایی که آنها کردند، علی‌رغم فشارهایی که وارد کردند، امروز این فکر، فکری است که رایج شده. فکر مردم‌سالاری دینی، فکر حاکمیت معنویت و حاکمیت دین، فکر حضور مردم در عرصه‌ها، فکر مقابله در مقابل زورگویی‌های قدرت‌های جهانی و بلوک‌های قدرتمند جهانی؛ این فکرها امروز رایج شده. شما می‌بینید که در دنیا این فکرها رایج شده؛ حالا به اسم ایران نیست، نباشد؛ ما اصرار نداریم که حتماً به اسم ایران باشد؛ اما هیچکس هم در دنیا نیست که تأثیر انقلاب اسلامی و ایستادگی ملت ایران را در این حوادث انکار کند. امروز مسئله این است.» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۷/۲۵، www.leader.ir)

«در مقابل سترون و نازا بودن غرب در برون زایی اندیشه‌های نو - که بعد از اومانیسیم و مکتب‌هایی که متکی به اومانیسیم هستند و فلسفه‌های زائیده و منشأ گرفته از اومانیسیم غربی، دیگر غرب زایش فکری نداشته و ایده‌های نو برای بشر و حیات انسان ارائه نداده - جمهوری اسلامی دارای زایش فکری است. ما برای مسائل روحی انسان، برای مسائل اجتماعی انسان، برای مسائل حکومتی انسان، حرف‌های تازه‌ای داریم. حرف تازه معنایش این نیست که اگر گفته شد، همه دنیا آن را قبول خواهند کرد؛ معنایش این است که یک جریان جدیدی را در دریاچه عظیم فکر بشری به وجود می‌آورد؛ موج آفرینی می‌کند. ما امروز در زمینه مسائل سیاسی، «مردم‌سالاری دینی» را عرضه می‌کنیم؛ در زمینه مسائل عمومی اجتماعی، «ابتناء تمدن بر معنویت» را ارائه می‌کنیم؛ در زمینه‌های گوناگون «کرامت انسان» را مطرح می‌کنیم؛ «آمیختگی دین و زندگی» را مطرح می‌کنیم. اینها حرف نویی است؛ اینها هیچ وقت در دنیا وجود نداشته، حتی قبل از دوران مادیگری و اومانیسیم غرب و روی کار آمدن اندیشه‌های سکولار هم این جور نبود که دین با زندگی توأم و همراه باشد؛ ابدأ. بله، در یک بخش‌هایی از دنیا روحانیون حکومت داشتند؛ حکومت کلیسا. حالا با تاریخ پیچیده و طولانی‌ای که اروپا دارد، بین دستگاه‌های کلیسایی و حکومتها یک جنگی بود؛ اما به هر حال دستگاه‌های کلیسایی هم حکومت داشتند. این معنایش این نبود که زندگی مردم آمیخته با دین است؛ دین منشأ مقررات و قوانین زندگی برای مردم است؛ به هیچ وجه چنین چیزی در غرب وجود نداشته؛ در کشورهای اسلامی هم هرگز وجود نداشته، جز در صدر اسلام. این حرف نویی است که امروز ما داریم مطرح می‌کنیم و می‌گوییم دین با زندگی یکی است.

زندگی چیست؟ زندگی یعنی سیاست، فعالیت، تجارت، اقتصاد و همه چیز؛ این حرف نویی است که دارد مطرح می‌شود». (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۵/۲۲، www.leader.ir)

ز) رابطه اقتدار و ضدیت با نظام سلطه

افزایش اقتدار یک کشور به منظور زورگویی به دیگران نیست، بلکه برای جلوگیری از زورگویی آنها است و این نیازمند ثروت است که از طریق علم حاصل می‌شود. علم وسیله‌ای است برای رسیدن به اقتدار ملی و ثروت ملی. در نگاه ایشان هر چیزی که بتواند یک ملت را به استقلال و به اقتدار ملی برساند، مبعوض مراکز قدرت است. بر اساس این دیدگاه، اقتدار سیاسی - که پایه‌ای از اقتدار ملی است - آن است که کشور و دولت بتوانند: ۱- در میدان سیاست جهانی حضور فعال داشته باشند، ۲- به آنها تحمیل سیاسی نشود، ۳- کسی نتواند به آنها زور بگوید، ۴- کسی نتواند در اوضاع سیاسی آنها دخالت کند. البته اقتدار ملی دارای زمینه‌های مختلف نظامی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی است که یک ارتباط مفهومی با یکدیگر دارند، اما در اینجا تأکید بیشتر روی اقتدار سیاسی است. به بیان دیگر: مقاومت نسبت به نظام سلطه از طریق افزایش اقتدار مخصوصاً اقتدار سیاسی محقق می‌شود.

بیداری و آگاهی ملتها

یکی دیگر از مکانیسم‌های رسیدن به نظام بین‌المللی عادلانه، به بیداری و آگاهی ملت‌های تحت ستم مربوط است، زیرا تا زمانی که ملل محروم نسبت به نظام سلطه بینش سیاسی لازم را پیدا نکنند امکان استمرار نظام سلطه و حفظ وضع موجود وجود ندارد. مقام معظم رهبری برای بیداری ملتها در مقابله با نظام سلطه جهانی نقش مهمی قائل‌اند: "در مقابل روح سرکش و طغیانگری که امروز استکبار دارد، فقط یک عامل وجود دارد که می‌تواند آن را مهار کند و جلوی این طغیانگری را بگیرد و آن، بیداری و اراده ملت‌هاست وقتی ملتی بیدار است، حقوق خود را می‌شناسد، دشمن را می‌شناسد. هدف او را می‌داند و تصمیم می‌گیرد در مقابل او بایستد". (مقام

مقام معظم رهبری، ۱۳۸۲/۵/۸، www.leader.ir)

رهبر معظم انقلاب بر لزوم مقابله با قدرت‌های بزرگ از طریق بیداری ملتها تأکید دارند: بیداری ملتها و آگاهی یافتن آنان از ماهیت و نقش نظام سلطه بزرگ ترین پشتوانه دولت‌های جهان سوم و مایه قدرتی حقیقی در برابر سلطه است. (همان، ۱۳۶۶/۶/۳۱) آری. بیداری اسلام، محاسبات استکباری را به هم ریخته و معادلات جهانی مطلوب مستکبران را تغییر داده است. از سوی دیگر، پیدایش و رشد اندیشه‌های نوین اسلامی در چارچوب مبانی و اصول اسلام و نوآوری

در عرصه سیاست و علم، بالندگی و پویایی مکتب اسلام را در عمل به اثبات رسانده و میدانی وسیع در برابر متفکران و روشن بینان جهان اسلام گشوده است. (مقام معظم رهبری، ۸/ ۱۱/ ۱۳۸۲، www.leader.ir)

ایشان قدرت واقعی را مربوط به ملتها می‌دانند و می‌فرمایند: قدرت واقعی، عبارت است از قدرت ملتی که اولاً آگاه باشد پیرامون او چه می‌گذرد، ثانیاً به حق و راه خود ایمان داشته باشد، ثالثاً تصمیم بگیرد که این راه را ادامه دهد. اگر ملتی این سه خصوصیت را داشت هیچ قدرتی در دنیا از او قوی تر نیست. (خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۲/۲۳، www.leader.ir) لذا ((سیاست مراکز اقتدار بین‌المللی از اوائل این قرن تا امروز همیشه این بوده که ملتها را از معادله قدرت جدا کنند... چون اگر ملتها در معادله قدرت وارد بشوند، دستگاه اقتدار طلب استکبار شکست خورده است. (همان، ۱۳۷۹/۷/۲۹) آنگاه با توجه به تقابل قدرتهای استکباری با ملتها، نظام بین‌الملل آینده را از آن اسلام و انسان‌های آگاه و بیدار می‌دانند و می‌فرمایند: بنابراین، دو جریان در مقابل هم قرار دارند... از یک طرف، در هر جای دنیا که نشانه‌ای از اسلام دیده شود، فشارهای استکبار و قدرتهای مادی علیه آن روز افزون است... از طرف دیگر، علی‌رغم فشاری که امروز علیه مسلمانها و اسلام در دنیا وجود دارد، دل‌های مردم دنیا - بخصوص جوانها و روشنفکران و انسانهای آگاه- متمایل و مجذوب اسلام است و این همان چیزی است که گسترش اسلام حقیقی را تدوین خواهد کرد. (مقام معظم رهبری، ۱۳۶۹/۹/۱، www.leader.ir)

مقام معظم رهبری قرن چهاردهم هجری را قرن فریاد و بیدارگری می‌دانند و قرن پانزدهم را از آغاز آن قرن تجربه و عملکرد بیان می‌کنند و با توجه به فروپاشی شوروی می‌فرمایند: "امروز می‌بینید که دنیا در چه وضعی است، امپراتوری‌ها چه طور دارند تجزیه می‌شوند، ملتها چه طور دارند سربلند می‌کنند، اسلام چگونه دارد سیطره معنوی خودش را بر دلها آشکار می‌کند". (حدیث ولایت، ج ۹: ۳۷)

نتیجه‌گیری

حضرت آیت... خامنه‌ای از یک ایده مشخص در سیاست خارجی بهره‌مند هستند که ضدیت با نظام سلطه در کانون ایده ایشان قرار می‌گیرد. تقویت اقتدار و استقلال سیاسی از طریق تقویت بنیان‌های علمی و پیشرفت‌های اقتصادی، مفاهیم مرتبط با ضدیت با نظام سلطه تعریف شده است. تقابل با نظام سلطه در سه سطح قابلیت به کارگیری دارد: ۱- منطقه‌ای، ۲- بلوک اسلامی، ۳- بین‌المللی. این اندیشه، با در نظر گرفتن اصول سه‌گانه عزت، حکمت و مصلحت، به هم

ریختن مناسبات سلطه‌پذیری و سلطه‌جویی در نظام بین‌المللی را هدف قرار داده است. همچنین استقلال سیاسی و افزایش اقتدار غیر تهدیدآمیز دیگر کشورها و تعامل با آنان بر پایه مصالح و منافع کشور را مدنظر دارد. از نظر ایشان، یکی دیگر از مکانیسم‌های رسیدن به نظام بین‌المللی عادلانه، به بیداری و آگاهی ملت‌های تحت ستم مربوط است، زیرا تا زمانی که ملل محروم نسبت به نظام سلطه بینش سیاسی لازم را پیدا نکنند امکان استمرار نظام سلطه و حفظ وضع موجود وجود ندارد.

منابع فارسی:

کتاب

- امینی، ابراهیم (۱۳۶۰)، سیاست خارجی حکومت اسلامی، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران
- ایزدی، بیژن (۱۳۷۱)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، دفتر تبلیغات اسلامی، قم
- احمدی فر، سجاد (۱۳۹۲)، بررسی جایگاه رهبر معظم انقلاب در هندسه نوین جهانی، پژوهشگاه فرهنگ و معارف اسلامی
- بخشایشی، احمد (۱۳۷۵)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، انتشارات آوای نو، تهران
- پیترال برگر و توماس بوکمان (۱۳۷۵)، ساخت اجتماعی واقعیت، رساله‌ای جامعه‌شناسی شناخت، ترجمه فریبرز مجیدی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی
- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۷)، ولایت فقیه ولایت فقاقت و عدالت، اسراء، قم، چاپ هشتم، زمستان
- حقیقت، صادق (۱۳۶۷)، مسئولیت‌های فراملی در سیاست خارجی دولت اسلامی، مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری، تهران
- سهرابی، داریوش (۱۳۸۹)، نهادینه شدن تعامل به جای تقبل در سیاست خارجی، انتشارات آوای نور، تهران
- لاریجانی محمد جواد (۱۳۶۹)، مقولاتی در استراتژی ملی، مرکز ترجمه و نشر، تهران
- منصوری، جواد (۱۳۶۵)، اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، انتشارات امیر کبیر، تهران
- نخعی، هادی (۱۳۷۶)، توافق و تراحم منافع ملی و مصالح اسلامی، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران

مقالات

- امینی، ابراهیم (۱۳۹۱)، روابط بین‌الملل و سیاست خارجی حکومت اسلامی، مجله نور علم، شماره ۹
- ابراهیمی، شهرروز (۱۳۸۹)، رویکرد اسلامی به روابط بین‌الملل، دانش سیاسی، سال ششم، شماره دوم، پاییز
- ستوده، محمد (۱۳۸۵)، روابط بین‌الملل از نگاه مقام معظم رهبری، حصون، شماره ۱۰

- نامدار، مظفر (۱۳۹۰)، مقام معظم رهبری و نظریه ساختاری روابط بین‌الملل، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال هشتم، شماره ۲۴
- واعظی دهنوی، عباس (۱۳۹۱)، مبانی سیاست خارجی در اندیشه رهبری، فصلنامه جستارهای سیاسی روز، شماره ۵، بهار

خبرگزاری

- اردم، نیلوفر، (۱۳۹۰/۱/۴)، مولفه‌های راهبردی در تدوین اصول سیاست خارجی ایران، پایگاه دیپلماسی ایرانی، قابل دریافت در:

irdiplomacy.ir

- مقام معظم رهبری (۱۳۹۱)، پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، قابل دریافت در: www.leader.ir
- (۱۳۶۲/۱۲/۱۵)، پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، قابل دریافت در: www.leader.ir
- (۱۳۶۳/۱/۱۰)، پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، قابل دریافت در: www.leader.ir
- (۱۳۶۳/۶/۸)، پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، قابل دریافت در: www.leader.ir
- (۱۳۶۳/۲/۸)، پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، قابل دریافت در: www.leader.ir
- (۱۳۶۴/۶/۱۳)، پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، قابل دریافت در: www.leader.ir
- (۱۳۶۵/۱۰/۱۹)، پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، قابل دریافت در: www.leader.ir
- ولایتی، علی اکبر (۱۳۸۷/۴/۱۲)، نقش تعامل با جامعه جهانی از نگاه رهبر انقلاب، تابناک